## تعقیب برون‌مرزی خودروهای سرقتی

جانشین پلیس آگاهی ناجا از تعقیب برون‌مرزی و ثبت موفقیت آمیز اطلاعات تعداد زیادی از خودروهای سرقتی در سامانه بین‌المللی خودروهای سرقتی خبر داد. سرهنگ فرامرز بهگذر به سایت پلیس گفت: به تازگی واحد امور بین الملل و معاونت مبارزه با سرقت پلیس آگاهی ناجا با همکاری پلیس بین‌الملل ناجا، ردگیری خودروهای سرقتی در خارج از مرزهای جغرافیایی را در دستور کار قرار داده است. بنابراین حلقه اقدامات مجرمانه سارقان در خارج از کشور تنگ‌تر می‌شود.

وی افزود: از این پس اطلاعات دقیق خودروهای سرقتی به ویژه از نوع خارجی آن که احتمال خروج‌شان از کشور وجود دارد به‌سرعت در سامانه بین‌المللی خودروهای مسروقه (SMV) ثبت و به محض مشاهده در خارج از کشور، نسبت به توقیف آن‌ها اقدام خواهد شد. هوشمندسازی فرآیند پی‌جویی انواع سرقت با کمک بانک‌های اطلاعاتی و استرداد اموال مسروقه به مردم با جدیت در دستور کار قرار داشته و با این اقدام، فاصله بین وقوع تا کشف کاهش خواهد یافت.

جنایت و مکافات

## چای خوردن با شیطان...

حامد عسکری

روزنامه‌نگار

صدای زنگ را شنید... اف‌اف را برداشت. پدرش بود. با همان خستگی و پیشانی چین‌خورده همیشگی که توی نمایشگر اف‌اف بیشتر به چشم می‌آمد. قلبش توی دهنش بود. شیطان توی سرش سیگار برگی گیرانده بود و کام عمیق می‌گرفت و قدم به قدم راهنمایی‌اش می‌کرد. خواهر کوچکش جلوی تلویزیون دراز کشیده بود و باب اسفنجی می‌دید و پاهایش دم عقربی توی هوا بازی می‌کرد. پدر وارد شد. خسته بود و بی‌حوصله. پشت در ورودی دکمه‌های پیرهنش را باز کرد و فقط شیطان و پسر می‌دانستند این آخرین بار است. آخرین بار است که دکمه باز می‌کند... آخرین بار است که جوراب در می‌آورد و آخرین بار است که دست‌هایش را می‌شوید... پسر سلام می‌کند و حتی این هم آخرین سلام پسر به پدرش است. پدر سراغ مادر را می‌گیرد و پسر می‌گوید که خسته بوده و رفته بالا که بخوابد. پدر یك لیوان آب طلب می‌کند و پسر دستپاچه قرص را با کف استکان خرد می‌کند و می‌ریزد توی شربت آبلیمو و خوب هم می‌زند تا اثری از قرص نماند. پدر لیوان را از دست‌های لرزان پسرك می‌گیرد سر می‌کشد و می‌گوید چرا تلخ بود. پسر جواب می‌دهد. با لیموی تازه درست کرده‌ام. شاید به همین دلیل است. دختر هنوز دارد باب اسفنجی می‌بیند. توی قصه باب اسفنجی دلش یك دوست واقعی می‌خواهد و از پاتریك و آقای هشت‌پا دلش گرفته است. پسر خودش را مشغول می‌کند و منتظر است قرص عمل کند. خنکای کولر نمی‌تواند جلوی عرق ریختنش از استرس را بگیرد... پدر کم‌کم منگ می‌شود... پلك‌هایش روی هم می‌آید و می‌رود دراز بکشد. شیطان حالا سیگار برگش تمام شده. با قهقهه می‌گوید: وقتش است. برو کار را تمام کن. پسر بالای سر پدرش می‌رود. بغض دارد. سرش سنگین است. به پدر نگاه می‌کند. به آخرین بالا پایین شدن قفسه سینه‌اش... به همه پول توجیبی‌هایش فکر می‌کند. به همه لحظاتی که توی پارك تابش داده. به همه آن روزهایی که دستش پشت زین دوچرخه‌اش بوده و دنبالش دویده و مراقب بوده زمین نخورد. کار از کار گذشته... دستش به خون مادرش آلوده شده... حالا نوبت پدر است. بالش را روی صورت پدر می‌گذارد و می‌نشیند روی صورتش. چند تا دست و پای نیمه جان و بعدش تمام...

از خانه بیرون زده... با مهدی... با همو که نقشه این جنایت را کشیده... خواهر کوچکش هم همراه اوست. یك همبرگر برایش می‌خرد و دخترك که مشغول همبرگر خوردن می‌شود. از رضا پرسید: حالا چی کار کنیم. جنازه هاشونو توی خونه... شیطان حالا توی سر مهدی نشسته بود و راهکار می‌داد... همبرگر دخترك که تمام شد به خانه برگشتند. چاقو را برداشت و شلنگ کپسول گاز را برید و بوی تند ال‌پی‌جی خزید زیر بینی‌اش... دوباره از خانه بیرون زدند و ساعتی بعد برگشت. تلفن را برداشت و به اورژانس زنگ زد و گفت پدر و مادرش خودکشی کرده‌اند. پلیس هم به آدرسی که به اورژانس داده بودند مراجعه کرد. دو دوی چشم‌های پسرك و تناقض‌گویی‌هایش خیلی زود قصه را لو داد. پلیس دستگیرش کرد و طی بازجویی همه چیز را گفت. مهدی را هم لو داد و هر دوتاشان افتادند زندان...

سه سال گذشته است... این سه سال سه هزار سال گذشته... توی این سه سال لحظه لحظه زندگی‌اش را مرور کرد... این‌که هیچ رفیقی برایش پدرومادر نمی‌شد... همه بکن‌نکن‌هایی که توی این مدت گفتند و گوش نکرد و چوبش را هم خورد... توی این فکر بود که اگر می‌گفت چشم... اگر قبول می‌کرد... اگر به حرف‌های مهدی گوش نمی‌کرد...

هیچ‌کس حالا کنارش نبود. حتی شیطان هم تنهایش گذاشته بود...

## عملیات نفسگیر برای انتقال بیمار ۴۰۰ کیلویی

معصومه ملکی

حوادث

دو ساعت طول کشید تا امدادگران اورژانس، بیمار ۴۰۰کیلویی را از خانه بیرون آورده و به بیمارستان منتقل کنند. این زن ۶۷ ساله در خانه دچار مشکل تنفسی شده بود.

ساجد بخشی ، رئیس عملیات بحران دانشگاه علوم پزشکی استان گیلان به خبرنگار جام جم گفت: ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح ششم تیر امسال فردی با همکاران ما در اورژانس رودسر تماس گرفت و اطلاع داد مادر خانواده دچار بیماری حاد تنفسی شده و بد حال است. سطح هوشیاری او پایین آمده و می ترسند بلایی سرش بیاید. در ادامه گروهی از امدادگران اورژانس با دریافت نشانی خانه این زن ۶۷ ساله که در خیابان سرپلی زاده رودسر بود به آنجا اعزام شدند.

وی افزود: اولین امدادگران که در محل حاضر شدند، پس از ورود به خانه با بیمار زنی که ۴۰۰ کیلو وزن دارد رو به رو شدند. آنها اقدام اولیه را برای درمان این زن که دچار مشکلات تنفسی شده بود آغاز کردند، اما نیاز به نیروهای امدادی بیشتری داشتند. بنابراین درخواست نیروی کمکی کردند. سپس چند تیم از امدادگران اورژانس در محل حاضر شدند. شش امدادگر اورژانس با کمک چهار عضو خانواده این زن، توانستند عملیات احیا را انجام دهند.

رئیس عملیات بحران دانشگاه علوم پزشکی استان گیلان ادامه داد: وزن ۴۰۰کیلویی این زن، انتقالش به بیمارستان را با مشکل روبه‌رو کرده بود. سرانجام بعد از دو ساعت تلاش بی وقفه توانستند این زن را به خیابان منتقل کنند. امدادگران اورژانس بعداز برداشتن برانکارد در آمبولانس مجبور شدند این بیمار ۴۰۰کیلویی را روی تشکی که کف آمبولانس پهن کرده بودند، بگذارند . بعد او را به بیمارستان شهید انصاری رودسر منتقل کردند. این بیمار در بیمارستان بستری و حالش مناسب است و به زودی مرخص می‌شود و نزد خانواده اش برمی‌گردد.

بخشی گفت : با خانواده این بیمار که حرف زدیم، معلوم شد او چند سال است از بیماری اضافه وزن رنج می برد و نمی‌تواند از خانه بیرون برود و شرایط سختی دارد ، اما خانواده اش با مهربانی سعی می‌کنند او را برای کاهش وزن ترغیب کنند. این عملیات از بی سابقه ترین عملیات های اورژانس بود و امدادگران با تلاشی دو ساعته این زن را از خانه خارج کردند.

امدادگران اورژانس در عملیاتی بی‌سابقه بیمار ۴۰۰کیلویی را از خانه به بیمارستان منتقل کردند

### گازگرفتگی در چاه، جان ۴ نفر را گرفت

## چاه قاتل

دو برادر همراه دو دایی خود، هنگام حفر چاه کشاورزی دچار گازگرفتگی شده و جان باختند.

به گزارش خبرنگار جام جم، روستای چلقی در ۲۵ کیلومتری مشهد قرار دارد و اغلب اهالی آن کشاورز هستند. همین اهالی از ظهر روز شنبه در عزا و ماتم از دست دادن چهار جوان اهل روستا هستند. چهار جوانی که هنگام تلاش برای کار کشاورزی دچار سانحه‌ای تلخ شدند و جان خود را از دست دادند. ذاکری دهیار روستای چلقی که از همان لحظات اولیه بروز حادثه در محل حاضر بود در گفت‌وگو با جام جم گفت: «نزدیك ظهر بود و در مزرعه خود سر کمباین بودم که دیدم ماشین آتش‌نشانی و اورژانس به طرف یکی از زمین‌های کشاورزی رفتند. خیلی سریع با موتور خودم را به محل رساندم و دیدم که دو برادر به نام‌های امیر و خلیل حکیمی به همراه سه دایی خود به نام رضا، علی و جمال در یك چاه سه متری دچار گازگرفتگی شده‌اند و اهالی که متوجه ماجرا شده بودند قبل از رسیدن نیروهای آتش‌نشانی آنها را از چاه بیرون کشیده بودند، اما حال خیلی وخیمی داشتند و بعد از رسیدن به بیمارستان چهار نفر آنها جان خود را از دست دادند و تنها رضا زنده ماند.»

ذاکری در مورد علت وقوع حادثه گفت: «در بالا دست روستای ما رودخانه‌ای وجود دارد که تا چند سال قبل اهالی روستا با احداث بند خاکی حتی در آنجا ماهیگیری هم می‌کردند و با سرریز آب رودخانه به زمین‌های کشاورزی مشکلی برای آبیاری زمین‌ها وجود نداشت، اما به مرور سطح رودخانه پایین رفت و اهالی مجبور به حفر چاه شدند.»

عموی امیر و خلیل در حالی که مشغول انجام مراسم تشییع جنازه عزیزان خود بود در گفت‌وگو با جام جم گفت: «امیر ۲۶ ساله بود و یك فرزند یکساله دارد. او اولین کسی بود که وارد چاه شده بود و یك موتور هوا همراهش بود که با یك موتور برق کوچك کار می‌کرد، اما یکدفعه از عمق چاه فریاد زده و به برادرش گفته بود موتور برق کار نمی‌کند و احساس خفگی به او دست داده بود. همان موقع برادرش برای کمك به او وارد چاه شده بود و از صدای داد و فریاد دایی‌هایشان اهالی روستا هم بالا سر چاه رفتند. دایی‌های امیر و خلیل هم وارد چاه شده بودند و آن وقت دیگر اهالی برای کمك به آنها اقدام کرده بودند، اما همه آنها دچار گازگرفتگی شده و اورژانس آنها را به بیمارستان هاشمی‌نژاد مشهد منتقل کرد که فقط رضا نجات پیدا کرد.»

## محاکمه دوباره ۶ مامور پلیس به اتهام قتل ۳ متهم

شش مامور نیروی انتظامی که در جریان عملیات تعقیب و گریز، سه متهم را به قتل رساندند بعد از نقض رای قصاص از سوی دیوان‌عالی کشور بار دیگر در دادگاه کیفری یك استان تهران محاکمه شدند.

آبان ماه سال ۹۴، ماموران نیروی انتظامی سبزوار با دریافت نیابت قضایی، تعقیب یك فرد متهم به قتل را در تهران در دستور کار خود قرار دادند. متهمان در حال فرار با یك خودرو در اتوبان خاوران شناسایی شده و ماموران برای متوقف کردن آنها، اقدام به شلیك به سمت خودرو کردند. در تیراندازی پلیس سه نفر از سرنشینان خودرو جان خود را از دست دادند و نفر چهارم به شدت مجروح شد. شش مامور پلیس هم پس از تحقیقات در دادسرا متهم به مشارکت در سه فقره قتل عمدی شدند.

به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و هر شش متهم به قصاص محکوم شدند. با نقض رای از سوی دیوان‌عالی کشور، پرونده بار دیگر برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهمان پای میز محاکمه رفتند.

به گزارش خبرنگار جام جم، در ابتدای جلسه مادر یکی از مقتولان که مبتلا به بیماری صرع هست دچار حمله عصبی شد و تا رسیدن اورژانس دقایقی در رسیدگی وقفه ایجاد شد. با شروع جلسه، اولیای دم تقاضای قصاص متهمان را کردند و وکیل یکی از اولیای دم در طرح شکایت خود گفت: «متهمان ضوابط و قوانین تیراندازی در عملیات تعقیب و گریز را رعایت نکرده‌اند. حدود چهل تیر به خودرو شلیك شده بود که در خودروی مقتولان حمام خون به راه افتاده بود.»

سپس یکی از متهمان در دفاع از خود گفت: «با دریافت نیابت قضایی برای دستگیری چند متهم به قتل و متهم به قاچاق اسلحه که از زاهدان اسلحه وارد سبزوار کرده بودند، از سبزوار به تهران آمدیم. ساعت یك بامداد خودروی مورد نظر را شناسایی کردیم، کل عملیات تعقیب و گریز ده ثانیه هم طول نکشید. متهمان اسلحه و قمه داشتند و با نور بالای جلوی دید ما را می‌گرفتند. از چهل تیر شلیك شده حدود بیست گلوله را هوایی زدیم. بقیه تیرها را به زمین یا بدنه ماشین شلیك کردیم و قصد کشتن آنها را نداشتیم.»

دیگر متهمان هم با تایید حرف همکار خود ادعا کردند که قصد قتل نداشته‌اند.

قضات دادگاه ختم جلسه را اعلام کردند و صدور رای به بعد از مشورت قضات موکول شد.

حکم قصاص ماموران پلیس در دیوان عالی کشور نقض شد و آنها برای دومین بار محاکمه شدند

## دام شیطانی دکتر قلابی برای دختران پولدار

خواستگار شیطان‌صفت که با معرفی خود به‌عنوان استاد دانشگاه آمریکا، سه دختر پولدار را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، در دام پلیس گرفتار شد. متهم پس از آزار طعمه‌هایش از آنها اخاذی می‌کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، چندی قبل دختر جوانی با مراجعه به پلیس امنیت استان مرکزی با طرح شکایتی، راز اخاذی‌های سیاه خواستگار قلابی‌اش را فاش کرد. دختر جوان در جریان تحقیقات اظهار کرد: دو ماه قبل در یکی از شبکه‌های اجتماعی با پسر جوانی آشنا شدم که مدعی بود دارای مدرك دکتری است و در یکی از دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌کند. ارتباط ما به صورت اینترنتی ادامه داشت تا این‌که او از من خواستگاری کرد. در این مدت به او اعتماد کرده و حرف‌هایش را باور کرده بودم. یك روز که به ایران آمده بود از من خواست همدیگر را ببینیم که قبول کردم. همدیگر را دیدیم و بیشتر عاشق او شدم. ارتباط ما ادامه داشت تا این‌که از اعتماد من سوءاستفاده کرد و مرا آزار داد.

شاکی ادامه داد: بعد از این اتفاق رفتار او تغییر کرد و به بهانه‌های مختلف از من اخاذی می‌کرد. از اخاذی‌های او خسته شده بودم و به همین خاطر تصمیم گرفتم با مراجعه به پلیس از او شکایت کنم.

همزمان با شروع تحقیقات، ماموران با شکایت‌های مشابه روبه‌رو شدند که آنها هم در دام خواستگار قلابی گرفتار شده بودند. متهم با معرفی خود به‌عنوان ایرانی مقیم آمریکا، ادعا می‌کرد دارای مدرك دکتری است. او طعمه‌هایش را از میان دختران پولدار انتخاب می‌کرد و به بهانه ازدواج اعتمادشان را جلب و بعد نقشه سیاه خود را اجرا می‌کرد.

با افزایش شکایت‌ها، تیمی از ماموران پلیس امنیت عمومی استان مرکزی به صورت ویژه به پرونده رسیدگی کرده و توانستند هویت واقعی مرد آزارگر را شناسایی کنند. متهم به نام احسان ۳۸ ساله اهل تهران بود و با پرسه‌زنی در فضای مجازی دختران را شکار می‌کرد. دو روز قبل ماموران متوجه شدند او در سطح شهر اراك در حال تردد است که در عملیاتی غافلگیرانه دستگیرش کردند.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی در این باره به جام جم گفت: تاکنون سه دختر با مراجعه به پلیس امنیت از متهم شکایت کرده‌اند. بررسی هر سه شکایت نشان داد متهم خود را دکتری مقیم یکی از ایالت‌های آمریکا معرفی کرده و طعمه‌هایش را مورد آزار و اذیت قرار داده است.

سرهنگ خلجی ادامه داد: متهم از این سه قربانی ۵۰ میلیون تومان اخاذی کرده بود. متهم با اعتراف به جرایمش به مقام قضایی معرفی شد و تحقیقات درباره دیگر جرایم احتمالی او ادامه دارد.

## ربودن خواستگار سابق، شرط ازدواج دختر جوان

دختری برای انتقامگیری از مهندس جوان، دو مرد را برای ربودن و سرقت مسلحانه خودروی سراتوی او اجیر کرد. یکی از آدم‌ربا‌ها به‌شرط ازدواج با دختر جوان خواسته او را اجرایی کرد. دختر جوان برای این‌که شاکی با او ازدواج نکرده بود، نقشه سرقت از او را اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، اوایل خرداد امسال، مرد مهندسی در حوالی اتوبان همت در خودروی سراتوی خود بود که متوجه شد یک خودروی پژو۲۰۶ در تعقیبش است. خودروی پژو در حوالی گرمدره راه این مرد را سد کرد و سرنشینان آن با معرفی خود به‌عنوان پلیس، دست‌وپای مرد راننده را بستند و او را سوار خودروی خود کردند. مردان مسلح سپس راننده سراتو را از خودروی درحال‌حرکت به بیرون پرت‌کرده و خودرویش را سرقت کردند.

شاکی روز بعد با حضور نزد قاضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از ماموران قلابی به اتهام آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه خودرویش شکایت کرد. با بررسی شماره پلاك خودروی متهمان، مشخص شد آنها چند روز قبل پژو را در غرب تهران سرقت کرده‌بودند. سرانجام یکی از متهمان سوار خودروی سراتو شناسایی و دستگیر شد. متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی گفت: چند ماه پیش متوجه سرقت گوشی دختر جوانی از سوی سارقی در خیابان شدم. با دیدن این صحنه ۲۰۰ متری به دنبال سارق دویدم و توانستم گوشی را پس بگیرم. گوشی را به دختر جوان دادم و همین باعث دوستی ما شد. بعد از مدتی تصمیم به ازدواج گرفتم اما دختر جوان شرطی عجیب گذاشت. آن دختر مدعی بود خواستگار سابقش او را فریب داده و بعد از کلاهبرداری از او، خودروی سراتویی خریده‌است. از ما خواست مرد کلاهبردار را ربوده و خودرویش را بگیریم. با کمک دوستم نقشه این دختر را اجرا کردیم و قرار بود هرکدام ۵۰ میلیون تومان بگیریم و بعد من با او ازدواج کنم.

در ادامه مردی که همدست این سارق بود نیز بازداشت شد و گفته‌های شهروز را تایید کرد. دختر اجیرشده نیز بازداشت شد و ادعای عجیبی را مطرح کرد و مدعی شد فقط با آنها درددل کرده و از این آدم‌ربایی مسلحانه بی‌خبر است. با توجه به گفته‌های دختر جوان، ماموران دوباره از شاکی تحقیق کردند که معلوم شد چون این جوان با دختر جوان ازدواج نکرده این دختر دست به انتقامگیری مسلحانه از وی زده‌است.

برای متهمان قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

### کوتاه از حوادث

اعضای باندی که از دلارفروش‌ها سرقت می‌کردند، دستگیر شدند. اعضای این باند چهارنفره همگی سابقه‌دار بودند و بعد از آزادی در ایام کرونایی در فردوسی، تهرانپارس و دیگر نقاط تهران، سراغ فروشندگان دلار رفته و بعد از ربودن آنها تهدیدشان کرده و با سرقت دلارها و بیرون انداختن این افراد از خودرو متواری می‌شدند.

مرد معتاد که مادر ۷۵ ساله‌اش را در شهر کاکی شهرستان دشتی به‌قتل‌رسانده‌بود بازداشت شد. مرد شیشه‌ای عصر هفتم تیر امسال مادرش را مورد ضرب‌وشتم قرار داد و او را کشت.

دو کلاهبردار که چای غیرقابل‌مصرف را با بسته‌بندی برندهای معروف چای به بازار مصرف عرضه می‌کردند بازداشت‌شدند. از انبار متهمان در کیانشهر، ۵۰۰ کیلو چای کشف شد. متهمان با تهیه چای‌های فله‌ای در شرایط کاملا غیربهداشتی آنها را نگهداری و با بسته‌بندی برندهای معروف آن را می‌فروختند. با آزمایش‌های صورت‌گرفته مشخص شد چای مورداستفاده فاقد مصرف انسانی است. متهمان به شرکت‌های تجاری شش‌میلیارد تومان خسارت وارد کرده‌بودند.

تصادف پژوپارس با پژو۴۰۵ در روستای کنگرلو شهرستان مشگین‌شهر هشت کشته برجای گذاشت. پنج نفر از سرنشینان هردو خودرو در دم و سه نفر در بیمارستان فوت شدند. یک مصدوم نیز در بیمارستان بستری است.

عامل اسیدپاشی روی دختر جوان که در زندان تبریز به سر می‌برد، فوت شد. پسر خواستگار وقتی از دختری ۲۶ساله به نام معصومه پاسخ منفی شنید، شامگاه بیست و هشتم اسفند۹۶ رویش اسید پاشید. عامل این اسیدپاشی در شعبه اول دادگاه کیفری استان محاکمه و حکم حبس گرفت. متهم که به رای صادره اعتراض کرده و پرونده در دیوان عالی کشور بود در زندان تبریز فوت کرد.

قاچاقچی مکالمات تلفني بابت خسارت دومیلیارد تومانی به شرکت ارتباطات زیرساخت بازداشت‌شد. نماینده حقوقي شرکت مخابرات به پلیس فتای تهران رفت و شکایت کرد که افراد ناشناسي به‌وسیله خطوطي اقدام به سوءاستفاده از پهناي باند بین‌الملل و برقراري غیرقانوني ارتباط تلفني خارج به داخل کرده‌اند. آنها خسارت دومیلیارد تومانی به شرکت ارتباطات زیرساخت وارد کرده‌اند. تحقیقات پلیس فتا آغاز و مردی در این‌باره بازداشت‌شد. او با شیوه انتقال تماس‌هاي تلفني اینترنتي از خارج به داخل کشور با ۲۸ خط فعال، مکالمات تلفني را قاچاق و از پهناي باند بین‌الملل سوءاستفاده می‌کرد.

### تلنگر

## جنایت آتشین مستاجر خشمگین

مستاجر خشمگین که پس از قتل صاحبخانه‌اش، جسد او را به آتش کشیده بود پس از دستگیری لب به اعتراف گشود.

۲۵ خرداد امسال گزارش کشف جسد سوخته‌ای در منطقه‌ای بیابانی در اطراف بندرعباس به پلیس گزارش شد. تیمی از ماموران جنایی راهی محل کشف جسد شده و دریافتند مرد ناشناس در محل دیگری به‌قتل‌رسیده و سپس به آنجا منتقل شده‌است.

تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول آغاز شد و با بررسی پرونده افراد فقدانی، کارآگاهان او را شناسایی کردند. این مرد در حوالی محل کشف جسد و در یک روستا، باغی داشت که روز حادثه برای سرکشی به باغش از خانه بیرون آمده و دیگر بازنگشته بود.

فرمانده انتظامی هرمزگان در این‌باره به خبرنگار جام جم گفت: ماموران در جریان بررسی‌های خود به مستاجر مقتول مشکوک شده و او را بازداشت کردند. این مرد در تحقیقات اولیه منکر قتل بود اما در ادامه لب به اعتراف گشود و به قتل اعتراف کرد و گفت: روز حادثه به‌خاطر اختلاف مالی با مقتول درگیر شدم و از پشت سر با سنگ ضربه‌ای به سرش زدم. وقتی متوجه مرگ او شدم، تصمیم گرفتم برای این‌که ردی از من باقی نماند جسد را آتش بزنم. به همین خاطر جسد را به منطقه‌ای بیابانی در اطراف روستا بردم و آتش‌زدم.

سردار غلامرضا جعفری افزود: متهم پس از اعتراف به این قتل تحویل مقام قضایی شد.